

صدرالدین عینی و بیدل دهلوی

دکتر ابراهیم خدایار
عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

یکی از جریانهای عظیم ادبی و اجتماعی فرهنگ و تمدن ایران، که نزدیک به یک و نیم قرن، یعنی از اواخر قرن دوازدهم تا ابتدای قرن چهاردهم هجری قمری، بخش بزرگی از جهان ایرانی را در ماوراءالنهر تحت نفوذ خود قرار داده بود، بیدل‌گرایی و رسوخ افکار و آثار، شکل بیان و اسلوب گفتار میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی (۱۰۵۴-۱۱۳۳ هـ.ق/۱۶۴۴-۱۷۲۱م) شاعر جغتایی نژاد فارسی‌گوی هندوستان بود.

صدرالدین عینی (۱۸۷۸-۱۹۵۴م) بنیانگذار ادبیات نوین تاجیک، نقش بسیار مهمی در معرفی این جریان بزرگ و تأثیرگذار ادبی و اجتماعی داشته است. در این مقاله، چشم انداز روشنی از وضعیت این جریان با تکیه بر آثار عینی در ماوراءالنهر ترسیم، و در شش بخش تنظیم شده است:

۱. پیشگامان و طراحان نظریه بیدل‌گرایی در ماوراءالنهر

۲. آشنایی عینی با بیدل

۳. نخستین تحقیق عینی درباره بیدل

۴. عینی و بیدل در نمونه ادبیات تاجیک

۵. بررسی و تحلیل کتاب میرزا عبدالقادر بیدل

۶. بیدل در یادداشتها

کلید واژه: ادبیات تاجیک، ماوراءالنهر قرن بیست، بیدل‌گرایی، بیدل، عینی.

مقدمه

میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی به عنوان فرد اکمل و نمونه‌عالی سبک هندی در ادبیات فارسی به رغم اینکه با انکار و بی‌مهری شاعران، محققان و تذکره نویسان ایران در دو سه سده گذشته رو به رو شده بود، آن‌گونه با اقبال چشمگیری در ماوراءالنهر رو به رو شده است که مقام شاعری وی تا آستانه پیامبری بالا رفته است. این جریان که در تحقیقات عالمان و محققان ماوراءالنهر و به تبع آن ایران - به بیدل گرایی معروف شده است به شیوه ای اطلاق می شود که عده فراوانی از شاعران و ادیبان این منطقه در بیش از یک و نیم قرن تلاش ادبی و فکری با پیروی از آثار منظوم و منثور بیدل سعی داشتند تا با به کارگیری خلاقیت خود، همانند وی به آفرینش ادبی دست یازند.

صدرالدین عینی بنیانگذار ادبیات نوین تاجیک در قرن بیستم، نقش درخور توجهی در معرفی، نقد و بررسی چگونگی شکل گیری و نمایش روند تحولات این جریان ادبی و اجتماعی در پهنه جغرافیایی نفوذ آن در ماوراءالنهر داشته است. آنچه در ادامه مقاله در این باره خواهد آمد، نمایانگر سطح نفوذ این شیوه در میان ادیبان و شاعران این منطقه از نگاه منتقدانه عینی است.

نگارنده در بخش نخست مقاله، ذیل عنوان «پیشگامان و طراحان نظریه بیدل گرایی» به بررسی پیشینه این نظریه و نقد و بررسی منابع آن در ماوراءالنهر و ایران پرداخته است؛ اما در اینجا این نکته شایسته یاد کرد است که منابع تحقیق در ایران در خصوص ادبیات فارسی ماوراءالنهر در یکی دو دهه اخیر آن، به ویژه در موضوع مورد بحث، از تعداد انگشتان یک دست هم تجاوز نمی کند. تمام منابع دست اول ماوراءالنهر در این زمینه نیز از نظر گذرانده شده است. با این حال در صورت دسترسی به منابع دست دوم کتابخانه های ماوراءالنهر، این مقاله از نظر منابع غنی تر می شد.

۱- پیشگامان و طراحان نظریه بیدل گرایی در ماوراءالنهر

بیدل گرایی به عنوان یک نظریه ادبی، نخستین بار در ماوراءالنهر به همت محققان ادبیات این مرز و بوم مطرح شد. احمد مخدوم دانش بخارایی - مشهور به احمد دانش (فوت ۱۸۹۷م)

عبدالرئوف فطرت بخارایی (فوت ۱۹۳۷م) و صدرالدین عینی (فوت ۱۹۵۴م) سه تن از شاعران و ادیبان ماوراءالنهر هستند که دربارهٔ این نظریه و جوانب آن بحث کرده‌اند. اگرچه از احمد دانش، اثر مستقلی دربارهٔ این نظریه به دست ما نرسیده است، منقولات عینی در نمونهٔ ادبیات تاجیک، رسالهٔ میرزا عبدالقادر بیدل و یادداشتها و نیز تحقیقات رسول هادی‌زاده در کتاب ادبیات تاجیک در نیمهٔ دوم عصر نوزده و نیز اثر نوادر الوقایع دانش در این باره از اهمیت فراوانی برخوردار است. احمد دانش در تاریخ افکار ادبی تاجیک، پرچم‌دار جریان بیدل‌شناسی در ماوراءالنهر است، به گونه‌ای که تمام بیدل‌شناسان این منطقه به طور مستقیم و یا غیر مستقیم از آموزشهای او در این زمینه تأثیر پذیرفته‌اند (برای اطلاع بیشتر، نک: نمونه ادبیات تاجیک، ۲۸۹؛ کلیات عینی، ج ۱۱، ۱۱۶؛ ادبیات تاجیک در نیمه دوم عصر ۱۹، ۱۲۶-۱۳۱؛ دایرةالمعارف ادبیات و صنعت تاجیک، ج ۲، ۱۳۷-۱۳۸).

عبدالرئوف بخارایی، نخستین نثر نویس ساده‌گرا و شاعر بزرگ فارسی‌گوی بخارا در اثر ازبکی خود با نام بیدل بر مجلس ده (مسکو ۱۹۲۳م) [بیدل در یک نشست (=گفتار)] ضمن اشاره به زندگی، احوال و آثار بیدل و جهان بینی او به شهرت بیدل و جریان بیدل‌گرایی در محیط ادبی ماوراءالنهر و گمنامی او در ایران اشاره کرده است. به نظر می‌رسد این کتاب پنجاه و چهار صفحه‌ای، نخستین کتاب مستقل دربارهٔ بیدل در ماوراءالنهر، ایران، افغانستان و هندوستان باشد.

همان‌گونه که اشاره شد، عینی در سه اثر ارزشمند خود به طور جامع و کامل در این باره بحث کرده است. یان‌ریپکا و همکارانش از ایرانشناسان اهل چک در کتاب «تاریخ ادبیات ایران» (ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران، ۱۳۷۰ ش) و یرژی بچکا در کتاب «ادبیات فارسی در تاجیکستان» (ترجمه محمود عبادیان و سعید عبانژاد، هجران دوست، تهران، ۱۳۷۲ ش) نیز در این زمینه مطالب مهمی را نقل کرده‌اند که مباحث این دو کتاب، اغلب تکرار مطالب عینی در کتابهای یاد شده است. دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی نیز با مقالات خود در دههٔ پنجاه، که در سال ۱۳۶۶ش با افزودن مقاله‌هایی جدید و گزینش دوپست و هشتاد و دو غزل و شصت رباعی، آنها را در کتابی مستقل با نام شاعرآینه‌ها به چاپ رساند، نخستین بار، مخاطبان ایرانی را با مباحث بیدل‌شناسی آشنا کرد.

۲- آشنایی عینی با بیدل

آن‌گونه که از کتاب «یادداشتها» ی عینی برمی‌آید، نخستین کسی که عینی را با بیدل آشنا کرد، پدرش بود. وی همانند تمام مردم ماوراءالنهر از طبقات گوناگون آن از دهقانان روستانشین گرفته تا عالمان شهری از خوانندگان مشهور و بزرگ مردمی گرفته تا طلبه‌های گمنام مکاتب و مدارس، لحظه‌های تلخ و شیرین زندگی خود را با ابیات بیدل و سایر شاعران مشهور فارسی زبان و فارسی‌گوی جهان ایرانی پیوند می‌زد (نک: یادداشتها، ۱۴۱-۱۴۳) اما آشنایی رسمی عینی با آثار بیدل بویژه غزلیات این شاعر نازک خیال، مربوط به آغازین سالهای تحصیل او در مکتب بی‌بی خلیفه در زادگاهش، روستای ساکتی اتفاق می‌افتد؛ حال اینکه وی هنوز ده سال بیشتر نداشته است (نک: کلیات عینی، ج ۱، ۱۰). عینی در رساله میرزا عبدالقادر بیدل در این باره نوشته است: «از وقتی که نسخه دست نویس اثرهای او به این سرزمین آمده است، منتخب غزلیات و رباعیاتش به مکتبهای ابتدایی کهنه در آمده است. در مکتبهای کهنه بعد از قرآن و درسهای دینی از ادبیات تاجیک یکم خواجه حافظ، دویم میرزا بیدل را می‌خواندند. منتخب دیوان بیدل را رسم خط خودش - به خط شکسته بیدلی - خوانانده، شاگردان را به خوانده تواستن آن گونه خط هم وادار می‌کردند» (همان، ج ۱۱، ۱۱۷). این اشاره عینی به شیوه آموزش در مکتب خانه های ابتدایی ماوراءالنهر در مقدمه یکی از گزیده‌های چاپ سنگی غزلیات دیوان حافظ در ماوراءالنهر نیز به چشم می‌خورد: «معلوم ناظران این کتاب بوده باشد که اکثر کودکان مکتب خانه [= مدارس ابتدایی] بعد از ختم این کتاب مستطاب به میرزا بیدل می‌درآیند، خط آن شکسته می‌باشد. بنابراین این کمینه کاتب از جهت شناخت خط شکسته از برای صبیانان به قدردانش در هر صفحه داخل گردانید...» (منتخب اشعار حافظ، ۱). عینی نیز با همین شیوه آموزش با بیدل و دنیای او آشنا شد به گونه‌ای که در سیزده سالگی می‌توانست اشکالات نسخه خطی دیوان منتخبات بیدل یکی از بیدل خوانان مسجد روستایش، ملکشاه دروازی [درواز: نام یکی از روستاهای تاجیکستان کنونی] را بفهمد و به استادش این اشکالات را گوشزد کند. او می‌نویسد: «یک روز یک غزل بیدل را که با بیت زیرین سر می‌شود به خواندن در آمد:

ای خیال قامتت، آه ضعیفان را عصا!

بر رخت نظاره‌ها را لغزش از جوش صفا

وقتی که به بیت زیرین رسید به این طریقه خواند:

نشئه صد خُم شراب از چشم مستت، غمزه‌ای

خون بهای صد چومن از جلوه‌های یک ادا

طبیعی است که چه نوع که [= همان گونه که] خوانده بود، همان نوع معنی‌داد [= تفسیر، شرح] کرد. در من، معنی کلمه «چومن» به آن بیت نمی‌چسبیدگی برین نمود [= ناجور جلوه می‌کرد]... در حال خاطر من رسید که باید نسخه خطا باشد و آن کلمه به شکل: «چمن» باشد (یادداشتها، ۲۳۴-۲۳۵).

با مسافرت عینی به بخارا در سال ۱۸۹۱م و اقامت او در خانه صدرضیا (فوت ۱۹۳۲م) برای ادامه تحصیل، سرنوشت عینی با یکی از مراکز مهم تحولات آن روز ماوراءالنهر گره خورد. این مسافرت که تا سال ۱۹۱۷م ادامه یافت و به دلیل تحولات سیاسی در امارت بخارا به مهاجرت عینی در همان سال به سمرقند منجر شد (نک: دانشنامه ادب فارسی، ج ۱، ۶۶۹-۶۷۰)، عینی جوان را با جریانهای مهم ادبی، سیاسی و اجتماعی و فعالان و سران این جنبشها و جریانها آشنا کرد؛ به گونه‌ای که این آشناییها بویژه آشنایی وی با بیدل و بیدل‌گرایی در این محیط، بخش عظیمی از تحقیقات علمی، تاریخی و زندگی ادبی وی را تا پایان عمر تحت تأثیر خود قرار دارد. عینی در سالهای اقامت در بخارا (۱۸۹۱-۱۹۱۷م) با تأثیر پذیری از جریان غالب ادبی این محیط، علاوه بر تحصیل و تحقیق و تدریس با آثار بیدل و تأثیر شگفت آور او بر بخش عظیمی از خلّاقیت شاعران و ادیبان ماوراءالنهر نیز به خوبی آشنا شد.

اگرچه عینی با تأثیرپذیری از تعلیمات احمد دانش و پیروان او از جمله قاضی عبدالواحد صدر صریر (فوت ۱۳۰۳ هـ ق) داملا ابوالفضل سیرت (فوت ۱۳۱۶ هـ ق) عیسی مخدوم مفتی (فوت ۱۳۰۵ هـ ق) و سایر پیروان دانش از «بیدل زدگی» گریزان بود (نامه فرهنگستان، ۷۷-۷۸)، آثار ادبی و تحقیقی وی بیانگر این است که علاوه بر سرودن اشعار سنتی خود در سبک بیدل که تا وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م ادامه داشت، بخش قابل ملاحظه‌ای از آثار تحقیقی خود را نیز به زندگی و آثار بیدل اختصاص داده است. عینی در نمونه ادبیات تاجیک وقتی درباره زندگی و شعر محمد نقیب خان طغرل احراری (فوت ۳۳۷ هـ ق) سخن می‌گوید، چند نمونه



از اشعار طغرل را نیز که در پیروی و یا تضمین غزل‌های بیدل سروده شده است، درج می‌کند و در پایان یکی از غزل‌های طغرل می‌نویسد:

« فقیر را نیز درین زمین... به تضمین مصراع مذکور بیدل [باده ندارم که به ساغر کنم] چند بیتی است که ایرادش بی مناسبت نخواهد بود:

شب که به هجر تو فغان سر کنم سامعه اهل جهان کر کنم...
 ناطقه اقرار کند بر قصور پیروی « بیدل » اگر سر کنم
 (نمونه ادبیات تاجیک، ۴۰۸-۴۰۹)

۳- نخستین تحقیق مکتوب عینی درباره بیدل

از جمله نخستین تحقیقات عینی درباره بیدل، که متأسفانه نسخه فارسی آن در کلیات عینی نیز به چشم نمی‌خورد، مکتوبی است که وی در سی و دو سالگی خویش در حدود سال‌های ۱۹۱۰م یا ۱۹۱۱م درباره بیدل نوشته است. آن‌گونه که محمد جان شکوراف در کتاب صدرالدین عینی نوشته است، عینی این مکتوب را در پاسخ به نامه‌ای از عالم جان ادریسی، نویسنده تاتار و از همدرسان سابقش در مدرسه بخارا - که مطالبی را درباره بیدل جویا شده بود - به استانبول ارسال کرده است و شخص نامبرده این مکتوب عینی را به ترکی تاتاری ترجمه کرده، آن را در «سال ۱۹۱۲م در مجله شورا (شماره ۲، ۱۵ ژانویه، ۴۲-۴۳) که در شهر اوفا (باشقیردستان) چاپ می‌شد»، منتشر کرده است (صدرالدین عینی، ۱۶۱). در هر صورت این مقاله از نخستین تحقیقات عینی در حوزه بیدل شناسی است.

۴- عینی و بیدل در نمونه ادبیات تاجیک

نمونه ادبیات تاجیک نخستین اثر علمی و جامع ادبیات شناسی تاجیک به شمار می‌آید. تألیف این اثر، که براساس درخواست مسئولان وقت جمهوری خود مختار تاجیکستان شوروی و توافق عینی در سال ۱۹۲۵م در سمرقند شروع شد و در پایان همان سال به پایان رسید، نقش بسیار مهمی در معرفی هویت تاجیکان منطقه از خود به جای گذاشت به گونه‌ای که با چاپ این اثر در سال ۱۹۲۶م در مسکو، تلاش پان‌ترکیستان ماوراءالنهر بی اثر شد (نک: یادداشتها، ۸۳۱).

این اثر از سه قسم [= بخش] تشکیل شده است. در بخش دوم این کتاب، ترجمه حال و نمونه اشعار یکصدوسی و دو نفر از شاعران تاجیک ماوراءالنهر فراهم آمده است (نک: نمونه ادبیات تاجیک، ۱۹۵-۵۱۸).

عینی در این بخش، اطلاعات بسیار ارزشمندی درباره جریان بیدل‌گرایی و سطح نفوذ افکار و آثار و اسلوب بیان این شاعر در میان ادیبان ماوراءالنهر فراهم آورده است. وی در ذکر شرح حال و نمونه آثار شاعرانی که در سالهای ۱۲۰۰ تا ۱۳۴۳ هـ ق می‌زیسته‌اند، درباره شانزده شاعر، نویسنده و متفکر و نیز ارتباط اندیشه و اسلوب گفتار آنها با بیدل، مطالب ارزشمندی جمع آوری کرده است که آنها ذیل پنج عنوان زیر بررسی می‌شود:

۱-۴- طرح نظریه بیدل‌گرایی

۲-۴- بیدل‌گرایان موفق

۳-۴- مقلدان ناموفق بیدل

۴-۴- نقد شعر پیروان بیدل

۵-۴- شاعران مستقل

۱-۴- طرح نظریه بیدل‌گرایی

عینی، نظریه بیدل‌گرایی خود را در محیط ادبی ماوراءالنهر، که بعدها در سال ۱۹۴۶م در رساله میرزا عبدالقادر بیدل با تفصیل بیشتری بیان کرد، نخستین بار در نمونه ادبیات تاجیک در ذیل شرح حال و ذکر آثار احمد مخدوم دانش مطرح کرد. وی ضمن اشاره به انقلاب فکری‌ای که دانش در محیط بخارا ایجاد کرده بود، درباره انقلاب ادبی این متفکر می‌نویسد: «در عهده‌های آخری (بعد از ۱۲۰۰ هجری) در بخارا و ماوراءالنهر در نظم و نثر، تقلید بیدل شهرت گرفته، هر اهل و نا اهل که به دستش قلم می‌گرفت، چیزی در پیروی بیدل نوشتن را از جمله تنمّه کمال خود می‌شمرد. احمد کله با وجود کمال اخلاص و عقیده‌اش درباره بیدل در تقلید اسلوب بیدل، مبارزه اعلان کرده، خود آثار منظومه و مثنوره‌اش را در کمال سادگی و روانی نوشتن را التزام کرده، مصاحبان خود را نیز از تقلید بیدل منع می‌فرمود. اسلوب بیدل را مخصوص استعداد و مسلک بیدلی می‌دانست. به امثال قاضی عبدالواحد صدرصریر (فوت ۱۳۰۳هـ ق)، داملا ابوالفضل سیرت (فوت ۱۳۱۶هـ ق) و عیسی مخدوم مفتی (فوت ۱۳۰۵هـ ق)



که معاصر[ان] و مصاحبان احمد مخدوم بودند، این تلقینات بی اثر نماند. ایشان بعد از آن که در اوایل حال در نظم و نثر، بیدل را تقلید کرده بودند، در آوان آخری، ساده نویسی را مشق می‌نمودند» (نمونه ادبیات تاجیک، ۲۸۹).

عینی اگرچه اغلب مطالب خود را به شکل تذکره‌ای برای نمونه ادبیات تاجیک آماده کرده است، نکات مهم دیگری را نیز در این باره در مطاوی شرح حال و ذکر نمونه اشعار پانزده شاعر دیگر نقل می‌کند که در بخشهای بعد به آنها اشاره خواهد شد.

۲-۴- بیدل گرایان موفق

عینی در ذیل زندگینامه و آثار چهار تن از شاعران ماوراءالنهر، وابستگی فکری و زبانی و سبکی آنها را به بیدل نشان داده است. وی در این بخش با ذکر نمونه‌هایی از اشعار این شاعران، آنها را از پیروان موفق بیدل دانسته است:

۱-۲-۴- میرزا عبدالقادر خواجه سودا بخارایی (فوت ۱۲۹۰ هـ ق)

۲-۲-۴- عیسی مخدوم مفتی بخارایی (فوت ۱۳۰۵ هـ ق)

۳-۲-۴- تاش خواجه اسیری خجندی (فوت ۱۳۳۴ هـ ق)

۴-۲-۴- سید زفرخان جوهری استروشنی (فوت ۱۹۴۵ م)

عینی درباره سودا و اینکه وی از مقلدان موفق بیدل است، می‌نویسد:

« سودا در اوایل عمر، بیدل را پیروی می‌کرده، این غزل از آن جمله است:

در حریم دل جفای کیست رهبر، تیغ را

گرچه نبود راه در سد سکندر تیغ را...

طبع «سودا» پر ز استحسان دونان تیره است

سنگ ناخوش از فسان سازد مکدر تیغ را

(نمونه ادبیات تاجیک، ۳۳۳-۳۳۴)

عینی در باره شعرهای طنز آمیز این شاعر که با تخلص «بی پُل» [= بی پول] سروده، مطالب جالب توجهی ذکر کرده است. براین اساس، سودا بخشی از شعرهای طنز خود را در وزن و ردیف غزلیات بیدل می‌سروده است:

«درین معنی، غزل اول دیوان بیدل را تضمین و اقتباس کرده، داد سخنوری داده است:
به اوج بی پُلی کز پهلوی خرج است راه آنجا
سرِ مو خرج افزون تر کنی، بشکن کلاه آنجا...
کنم فرضی به افسون دل بی مدعا «بی پُل»
از آن ممسک که گر منکر شوم، نبود گناه آنجا»
(همان، ۳۲۷)

عینی در مورد عیسی مخدوم مفتی بخارایی، پس از نقل نمونه‌هایی از غزلها و مخمسهای بیدلانه‌اش می‌نویسد:

« عیسی از جمله متصوفین است. اکثر ابیاتش نیز در مذاق صوفیه انشاد یافته است؛ بیدل را پیروی و تقلید می‌کند، اما تقلیدش به کمال موفقیت است... نثر عیسی نیز با بدایع و صنایع مزین است. بعضی ابیات مشکله بیدل را به نثر شرح کرده است» (نمونه ادبیات تاجیک، ۴۲۴-۴۲۸).

عینی در مورد اسیری خجندی و اینکه وی در کدام گروه از مقلدان بیدل قرار می‌گیرد، جز این مطلب که «اسیری در نظم بعضاً در نثر تماماً مقلد بیدل است» (همان، ۲۱۱)، هیچ مطلب دیگری نیآورده است. اما در رساله میرزا عبدالقادر بیدل، مطالب بیشتری درباره اسیری دیده می‌شود: «اسیری خجندی، بیدل را هم در نظم و هم در نثر و هم در مضمون با موفقیت تقلید کرد. نظم و نثر او از تنقید [= نقد] علمای رسمی و عرف و عادت فئودالیزم پر بوده. او هم در گفتار (در اثرهای خود) و هم در کردار (در زندگی‌اش) به عرف و عادت دینی به نظر تنقید نگاه می‌کرده» (کلیات عینی، ج ۱۱، ۱۱۶).

وی در مورد جوهری استروشنی که هم در سالهای قبل از انقلاب و هم در سالهای پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م در بین عوام و خواص به شاعری شهرت داشته است، مطالب زیادی درباره سبک شاعری و اندیشه‌های ادبی و اجتماعی او در آثار خود بویژه در نمونه ادبیات تاجیک و رساله میرزا عبدالقادر بیدل آورده است. از جمله می‌نویسد: «از شعرهای جوهری، سرسری گذشتن درست نیست. مومی الیه [= نامبرده] شعر را به غایت استادانه می‌نگارد... جوهری مقلد بیدل است. اما در تقلید آن قدر ساخته کاری و تکلف به کار نبرده است.



بنابراین، این تقلید به فصاحت طبیعی زبان ضرر کلی روی نداده است» (نمونه ادبیات تاجیک، ۲۵۴). عینی در رساله میرزا عبدالقادر بیدل در بخش «تأثیر بیدل در آسیای میانه» اطلاعات بیشتری از این شاعر نقل کرده است: «جوهری در لیریکه [= غزل] بیدل را با موفقیت تقلید نمود، بعد از ریوالیوتسیه آکتیابر [= انقلاب اکتبر]... او به صفت یک شاعر ساویتی [= شاعر شورایی] هم از جهت شکل و هم از جهت مضمون، خیلی چیزهای عامه فهم داده باشد هم در لیریکه تا آخر عمرش در پیروی بیدل ثابت ماند» (کلیات عینی، ج ۱۱، ۱۱۷).

۳-۴- مقلدان ناموفق بیدل

عینی در این زمینه در ذیل زندگینامه و شعر طغرل احراری (فوت ۱۳۳۷ هـ ق) مآ برهان بسمل کولابی (فوت در اوایل قرن بیستم) قاری مسیحا تمهید سمرقندی (فوت ۱۹۷۶ م) به طور مشخص مطالب مهمی یادآوری کرده است. از جمله درباره طغرل احراری می‌نویسد: «طغرل مقلد بیدل است، لیکن مثل بسیارترین مقلدان بیدل در این پیروی هیچ موفق نشده است... اگر طبع خود را در اسارت تقلید بیدل نمی‌انداخت و هم به حق خود بسیار نیک بین نمی‌بود [= از خود راضی و مغرور نبود] از سرآمدان زمان خود شدنش محقق بود» (نمونه ادبیات تاجیک، ۴۰۹-۴۱۰). عینی در خصوص تمهید سمرقندی نیز همین نگاه را دارد: «استعداد ادبی تمهید از نوادر است. حالا تمام قابلیت خود را اظهار نکرده، در داخل چارچوبه تقلید بیدل به محاصره مانده است. اگر این استعداد فوق العاده از این محاصره خلاصی یابد، از نوادر شدنش مقرر است» (همان، ۲۴۲).

عینی در ذیل نام سه تن از شاعران مشهور ماوراءالنهر، بدون اینکه به موفقیت یا عدم موفقیت آنها در شیوه بیانشان اشاره ای کند، آنها را از مقلدان بیدل شمرده است. به هر حال این گروه نیز ذیل مقلدان ناموفق بیدل جای خواهند گرفت:

- خلیفه عاشور محمد یکدل بخارایی (از شعرای میانه‌های عصر ۱۳ هـ ق)
- میرزا رحیم رحیمی دیوانه سمرقندی (از شعرای سده نوزدهم میلادی)
- سید احمد خواجه صدیقی عجزی سمرقندی (فوت ۱۹۲۷ م)

۴-۴- نقد شعر پیروان بیدل

عینی در ذیل زندگینامه و شعر چهارتن از شاعران و ادیبان، بدون ذکر نام بیدل و تأثیر سبک او در اشعار آنان و یا بعضاً ذکر نام بیدل در پاورقی، برخی از مخمّسها و غزلیات این شاعران را که در پیروی و یا تضمین شعر بیدل سروده شده، ذکر کرده است. این چهار تن عبارتند از:

- میریقا خواجه آتش بخارایی (از شعرای اواخر قرن ۱۳ هـ ق)
- شیر محمد اکمل خوقندی (فوت بعد از ۱۳۴۱ هـ ق)
- محمد صدیق خان حشمت (فوت بعد از ۱۳۴۱ هـ ق)
- صدرالدین عینی (۱۸۷۸-۱۹۵۴ م)

وی در شرح حال حشمت، که اتفاقاً از طرفداران پر و پا قرص بیدل است و بیشتر زندگی ادبی خود را در راه پیروی بیدل صرف کرده است، هیچ سخنی از بیدل‌گرایی وی به میان نیاورده است، اما در پاورقی یکی از غزلهای منقول حشمت با مطلع:

تا گشادی از کمانِ ابروان، پیکانِ ناز

اعتماد یافت لغزش بی حد از پیمانِ ناز

درباره بیت:

خنده‌ات عیشی ست، ظاهر گشته از ملک عدم

ابروت طاقی ست، بالا رفته در ایوانِ ناز

در پاورقی با اشاره به غزلی که بیدل با ردیف ناز سروده است، می‌گوید: «این مضمون را بیدل بسیار نیکو بسته:

چشم شوخت عینِ ناز، ابروی مشکین، نازِ محض

این چه توفان است یارب! ناز بر بالای ناز

(همان، ۲۷۲-۲۷۳)



۵-۴- شاعران مستقل

عینی در ذیل نام افضل مخدوم پیرمستی (فوت ۱۳۳۴ هـ.ق) شاعر و تذکره‌نویس بخارا، وی را از جمله شاعرانی دانسته است که هرگز گام در میدان دعوی بیدلی ننهاده‌اند. به هر حال، این‌گونه شاعران اگر چه خود صاحب سبکی مستقل در شاعری نبوده‌اند و عموماً می‌توانیم سبک آنها را در ردیف شاعران سبک بازگشت محیط جغرافیایی ایران در عهد قاجار به حساب آوریم، به دنبال تقلید بیدل نبوده‌اند «افضل قاعده‌دان ترین شعرای عهد آخرین است... در میدان دعوی بیدلی نمی‌برآید...» (همان، ۲۱۹).

۵- بررسی و تحلیل کتاب میرزا عبدالقادر بیدل

عینی پس از تألیف رساله‌های جداگانه علمی و تحقیقی درباره فردوسی و شاهنامه (۱۹۳۴ م) یک سیمای نامشهور ادبیات تاجیک و اصفی (۱۹۴۰ م) / استاد رودکی (۱۹۴۰ م) / شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی (۱۹۴۰ م) / شیخ الرئیس ابوعلی سینا (۱۹۴۱ م) و علیشیرنویسی (۱۹۴۱ م)، سرانجام در سال ۱۹۴۶ م رساله میرزا عبدالقادر بیدل را تألیف کرد. این کتاب در سال ۱۹۵۴ م به شکل کتابی مستقل به چاپ رسید. بخش نخست جلد یازدهم کلیات پانزده جلدی عینی، که در سال ۱۹۶۴ م در شهر دوشنبه از سوی انتشارات عرفان به چاپ رسیده، این کتاب را در خود جای داده است (کلیات عینی، ج ۱۱، ۷ - ۳۳۲). این کتاب، نخستین اثر علمی جامع در زبان فارسی درباره این شاعر مشهور و نیز گزیده آثار منظوم و منثور اوست (نک: صدرالدین عینی، ۱۶۳-۱۶۴).

کتاب شامل دو قسم [= بخش] و یک خاتمه است. مؤلف در بخش نخست کتاب (۹-۱۲۱) در هشت مدخل فرعی در زمینه مسائل زیر بحث کرده است:

- ۱- معلومات مختصر درباره زمان بیدل (۹-۲۶)
- ۲- ترجمه حال بیدل (۲۷-۶۴)
- ۳- ایجادیات بیدل [= آثار بیدل] (۶۵-۱۰۳)
- ۳-۱- مناسبت ایجادیات و تفکرات بیدل به دوره‌های حیاتش (۱۰۴)
- ۳-۲- زبان، اسلوب و صنعت [= هنر] شعری بیدل (۱۰۵-۱۱۳)
- ۳-۳- مکتب بیدل در اسلوب ادبی (۱۱۴)
- ۳-۴- تأثیر بیدل در آسیای میانه (۱۱۵-۱۱۷)

۵-۳- نسخه اصل کلیات بیدل و تحریف وی (۱۱۸-۱۲۱)

بخش دوم کتاب (۱۲۲-۳۲۷) گزیده‌ای از آثار منظوم و مثنوی بیدل را در خود جای داده است. این گزیده همان گونه که از متن رساله برمی‌آید از روی نسخه چاپ سنگی سال ۱۲۹۹ هـ.ق / ۱۸۸۲م در بمبئی هندوستان فراهم شده است (نک: کلیات عینی، ج ۱۱، ۱۱۹). عینی در این گزیده از آثار منظوم بیدل جمعاً شش حکایت از مثنوی عرفان شامل داستان "کامدی و مُدُن (۱۲۲-۱۵۶) داستان تفتیش منبع آب گنگ و چشمه جنت (۱۵۷-۱۶۲) قصه پادشاه ظالم، زن باردار و مرد بیمار (۱۶۳-۱۷۳) حکایه [= حکایت] درباره فضیلت کار و مذمت بیکاری (۱۷۴-۱۸۷) حکایه منظوم درباره بهشت و دهقانی در اساس مصاحبت پادشاه و وزیر (۱۷۹-۱۸۰) و در خصوص پیدایش جمعیت دهقانی و تشکّل سلطنت فنودالی (۱۸۱-۱۸۹)؛ ۳۱ غزل (۱۹۰-۲۰۶) ۳ مخمس (۲۰۸-۲۱۱) ۱۰۴ رباعی (۲۱۲-۲۳۱) ۸ قصیده (۲۳۲-۲۴۴) ۲۵ نمونه از قطعه‌ها و پارچه‌های [= پاره و بخش] گوناگون موضوع [و مثنویها] (۲۴۵-۲۶۰) و ۱۳ مورد از نمونه آثار مثنوی بیدل را" (۲۶۱-۳۲۷) انتخاب کرده است. عینی در خاتمه کتاب (۳۲۸-۳۳۲) ضمن اشاره مجدد به سیر تحولات اندیشه بیدل از عشق و عرفان به عقل و حس، که خود در بخش نخست کتاب و با تکیه بر مبانی نقد مارکسیستی بدان رسیده بود، تأکید می‌کند و می‌نویسد: «در حقیقت، شاعر در آخرهای عمرش از جهت نقطه نظرش به دین و خرافات دینی، از جهت مقابل ایستادنش به تقلید، حل کردن خواستش هر مسئله را از نقطه نظر عقل و تحقیق، در مسئله‌های خلقت عالم، همه زل [= نقش] را به قوه‌های طبیعی سپردنش و در مانند این گونه مسئله‌های فلسفه وی [= فلسفی] به حیات به حقیقت نزدیک شده، از هموطنان همزمان خودش و از متفکران عالم شرق آن زمان بسیار پیش رفته است» (همان، ج ۱۱، ۳۲۸). این خاتمه که در حقیقت وصیت نامه ادبی عینی در باره بیدل به شمار می‌رود، دارای نکات قابل توجهی در خصوص لزوم چگونگی رویکرد ادیبان جوان به میراث ادبی بیدل است: «این نکته را برای جوانان مخصوصاً قید کردن لازم است که به بعضی تعبیرهای سحرکارانه بیدل فریفته نشده در پی تقلید او نیفتند و زبان را از عامه دور نکنند. با همه این، آثار بیدل از جهت لغتهای جداگانه که موافق لهجه عامه تاجیکان است، این چنین [= نیز، همچنین] از جهت بعضی کلمه‌سازیهایی موافق قاعده و ساده عامه فهمش، قابل استفاده و زبان آموزی است»





(همان، ۳۳۱). وی در خصوص اندیشه‌های فلسفی و اجتماعی بیدل می‌گوید: «درست تدقیق نمودن [= تحلیل نمودن] و با نظر تنقید مارکسیستی [= نقد مارکسیستی] تحلیل کرده برآمدن ایجادیات این شاعر، به مانده نشده [= خسته نشده، ناامید نشده] محنت کردن جوانان پر معلومات مارکسیست منتظر است» (همان، ۳۳۱-۳۳۲).

هر چند تحقیقات بخش نخست کتاب، اغلب حالت تذکره گونه دارد و کمتر در آن به نقدهای موشکافانه در باره سبک شاعری و نویسندگی بیدل برمی‌خوریم و نیز از طرف دیگر، عینی به دلیل قرار گرفتن در دایره تنگ حزب‌گرایی و جزم اندیشی خاص بیانیه‌های سیاسی و ادبی حکومت شوراها، آگاهی خود را مدیون هستی اجتماعی خود می‌داند (نک: مارکسیسم و نقد ادبی، ۲۸) و به ناچار در ترجمه حال بیدل، وی را در پایان عمر بی دین می‌خواند و در این راه، مسئولیت ادبی خود را در مشروعیت بخشی به طبقه حاکم و اندیشه‌های اجتماعی، سیاسی و فکری این گروه ادا می‌کند، اطلاعات ارزشمند این بخش بویژه در فصل «تأثیر بیدل در آسیای میانه» (کلیات عینی، ج ۱۱، ۱۱۵-۱۱۷) بی نظیر و منحصر به فرد است؛ ضمن اینکه فصل «زبان، اسلوب و صنعت شعری بیدل» (همان، ۱۰۵-۱۱۳) از تازگیهای در خور توجهی برخوردار است. هم‌اکنون روست که تمام محققان پس از عینی، وام‌دار اطلاعات این کتاب هستند. برخی از منقولات این بخش از احمد دانش از جمله «بیدل پیغمبر است، معجزه را در اختیار پیغمبر گذاشتن در کار است. شما ولی شده کرامت نشان دهید هم می‌شود» (همان، ۱۱۶). بخوبی بیانگر شیوه تفکر چندین نسل از مردمان ماوراءالنهر است که بیش از یک و نیم قرن با آثار بیدل زندگی کرده و مقام او را در شعر تا آستانه پیامبری، بالا برده‌اند.

در هر حال این رساله به عنوان نخستین اثر درباره بیدل در زبان فارسی تاجیکی دارای اهمیت فراوانی است و آن گونه که مؤلف نیز بیان کرده است: «ایجادیات بیدل مانند یک بحر است. این کار ما در تدقیق وی مانند آن است که کسی با زورقی، کنارهای آسان گذر بحر را سیر کرده باشد» (همان، ۳۳۱). از سوی دیگر یادآوری می‌شود عینی در دنیای فارسی‌زبانان جهان نه به جهت اینکه مبلغ آیین مارکسیسم بود، شایسته ارج است، بلکه وی به عنوان نویسنده، شاعر، مورخ، لغت‌شناس و روزنامه‌نگار، دارای شخصیتی کم‌نظیر است که باید خود و آثارش را فارغ از فضایی که وی در آن می‌زیست، مطالعه کرد و بر برابری تلاشهای

فکری و ادبی او را که به نوزایی یک زبان و فرهنگ در ماوراء النهر قرن بیستم منجر شد، آفرین گفت.

۶- بیدل در یادداشتها

یکی از شاهکارهای متشور عینی، که به حق آن را دایرةالمعارف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی ماوراءالنهر بویژه بخارا در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم دانسته‌اند، اثر گرانسنگ **یادداشتها** ست (نک: صدرالدین عینی، ۲۶۴). عینی این کتاب را - که می‌توان آن را «زندگینامه خود نوشت» عینی نیز دانست - در طی سالهای ۱۹۴۸-۱۹۵۴م در سالهای پایانی زندگی خود در چهار جلد به رشته تحریر درآورد. از آنجا که این اثر در سایه قلم سحرانگیز عینی به زیبایی و شکوه قلم امثال بیهقی (فوت ۴۷۰ هـ ق) در تاریخ بیهقی و زین‌الدین واصفی (فوت ۱۴۸۵ هـ ق - ۱۵۵۱/۱۵۵۶م) در کتاب *بدايع الوقایع* و احمد دانش در *نوادر الوقایع* همانند شده است به روشنی در سطر سطر اوراق خود، جریانها و جنبشهای ادبی زمان زندگی مؤلف را به تصویر کشیده است (شاعر آینه‌ها، ۹۳؛ ادبیات فارسی در تاجیکستان، ۱۳۳).

حضور شاعران بزرگ زبان و ادبیات فارسی در این کتاب یکی از موارد قابل توجه برای خوانندگان ایرانی است. بررسی و تحلیل این حضور علاوه بر اطلاع خواننده از کم و کیف تأثیر شاعران ایرانی بر فضای فکری و ادبی ماوراءالنهر در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، ما را با ارزشهای ادبی و ذوقیات آن سامان آشنا ساخته، به شیوه‌های تفکر و ارزشهای اجتماعی مورد قبول آنان نزدیک می‌سازد. در این کتاب مجموعاً به مناسبتهای مختلف و از زبان شخصیتها و قهرمانان گوناگون نزدیک به سیصد و چهل و نه بیت شعر از بیست و یک شاعر کلاسیک و نیز ادبیات مردمی و شاعران ناشناس نقل شده است:

- ۶-۱- **شاعران کلاسیک**: (جمعاً ۹ شاعر) سعدی (پنج بیت) مولوی (یک بیت) امیر خسرو دهلوی (یک بیت) کمال خجندی (سه بیت) حافظ (پنج بیت) جامی (سه بیت) ناظم هراتی (دو بیت) صائب تبریزی (سه بیت) و بیدل دهلوی (دوازده بیت) [جمعاً ۳۵ بیت]
- ۶-۲- **شاعران معاصر** (جمعاً ۱۲ شاعر): عینی (۱۷۰ بیت) محمد صدیق حیرت (۶۶ بیت) صدر ضیا (۲۹ بیت) شاهین (۱۳ بیت) احمد دانش (نه بیت) سودا، عزیز خواجه قندوزی،

یحیی خواجه، منظم (هرکدام دو بیت) امیر عبدالاحد، قاضی قربان خان فطرت، ملّا برهان کولابی (هرکدام یک بیت) [جمعاً ۲۹۸ بیت]

۳-۶- ادبیات مردمی و شاعران ناشناس : ۱۶ بیت.

در این تحلیل در بخش مربوط به شاعران کلاسیک - همان‌گونه که سالها پیش، مؤلف شاعرآینه‌ها نیز بدان اشارت کرده است - مشخص شد که بیدل و حافظ از محبوبترین شاعران فارسی زبان و فارسی گوی ایران در ماوراءالنهر به حساب می‌آیند (شاعرآینه‌ها، ۱۱۱). در این میان، سهم اشعار منقول بیدل از حافظ و سایر شاعران کلاسیک ایرانی بیشتر است. آن‌گونه که از یادداشتها برمی‌آید این ابیات از زبان نه تن از شخصیت‌های کتاب در مناسبت‌های گوناگون نقل شده است. نتایج زیر از تحلیل ابیات منقول بیدل در یادداشتها به دست می‌آید:

الف - غزلیات بیدل یکی از مواد اصلی درسی کودکان ۷ تا ۱۰ ساله مکتب‌های ماوراءالنهر در این سالها بوده است. عینی نیز در این سن و سال در مکتب بی بی خلیفه روستای زادگاهش - ساکتی - بیدل را در کنار حافظ خوانده و بسیاری از ابیات آن را در حافظه خود نگه داشته بوده است، و همان‌گونه که یادآوری شد، وی قادر بوده است در ۱۳ سالگی اشکالات نسخه خطی دیوان منتخبات بیدل یکی از استادان بیدل شناس را بفهمد و به او گوشزد کند (نک: یادداشتها، ۲۳۵-۲۳۴). مرثیه عینی در مرگ پدر و مادرش در وبای عام ۱۸۸۹م به زیبایی تمام، حضور بیدل را در زندگی عینی و عموم مردمان ماوراءالنهر به تصویر کشیده است. قضیه از این قرار است که عینی یازده ساله، درست پس از گذشت چهل روز از مرگ پدر در یک شب سرد پاییزی در حالی که مشغول جمع‌آوری محصولات کشاورزی به جا مانده از میراث پدر در زمینهای کشاورزی روستای خود بود، خبر مرگ مادر، کوهی از غم را بر دلش فرو می‌ریزد: «اکنون با هاهای، گریه کردن می‌خواستم... آرزو می‌کردم که کاری شده، همه این غمها و کلفتها هرچند یک دقیقه هم باشد، از یادم برآید و من هم اندکی روی آسایش را ببینم و با خواهش این آرزو، بیت زیرین یک غزل بیدل را که پدرم در این گونه موردها بسیار می‌خواند به یاد آوردم و با آواز پست حزین، زمزمه کردن گرفتم:

ای فراموشی! کجایی تا به فریادم رسی؟

باز اندوه دلِ غم پرورم آمد به یاد

در این وقت، سرود جفترانان [= کشاورزانی که با گاو، زمین را شخم می‌زدند] شنیده شده، مرا به خود مشغول کرد... جفترانی... در هوای صوت عشاق... یک غزل بیدل را سرکرد و در اوج آن هوا جفتران دیگر که دورتر از وی کار می‌کرد به او یاری داد. من با شنیدن آن غزل... بی‌آن که آوازی برآرم، درون درون گریسته، دل مصیبت منزل خود را قدری خالی کردم...

دلیل کاروان اشکم، آه سرد را مانم

اثر پرورد داغم، حرف صاحب درد را مانم

رفیق وحشت من، غیر داغ دل نمی‌باشد

درین غربت سرا، خورشید تنها گرد را مانم

فلک عمری ست دور از دوستان می‌دارم « بیدل! »

به روی صفحه آفاق، بیت فرد را مانم....

(یادداشتها، ۱۴۱-۱۴۳)

نگاهی به چاپهای سنگی گزیده‌های دیوان غزلیات حافظ و بیدل در ماوراءالنهر نیز، نکته اشاره شده در بالا را تأیید می‌کند. در طی سالهای ۱۸۸۴ تا سال ۱۹۱۷م دیوان اشعار حافظ و منتخبات او شصت و شش بار و تقریباً در همین سالها - ۱۸۸۳م تا ۱۹۱۶م - دیوان بیدل و گزیده غزلیات وی حدود پنجاه و چهار بار به چاپ رسیده است (کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۷۲، مهر ۱۳۸۲، ص ۵۴).

ب - بیدل و اشعار او به طبقه خاص اجتماعی از مردم اختصاص نداشته است. دهقانان کم سواد و بی‌سواد (یادداشتها، ۱۴۲) موسیقی دانان و خوانندگان بزرگ مردمی (همان، ۵۷۵) عقلای مجانبین (همان، ۳۳۳، ۳۶۰) علمای رسمی و مدرسان (همان، ۲۳۴-۲۳۵) طلبه‌های مکاتب ابتدایی (همان، ۲۳۴ - ۲۳۵) و روشنفکران و منتقدان اجتماعی (همان، ۳۳۳، ۳۶۰، ۵۷۳ ، ۵۹۸) از ابیات بیدل برای مقاصد خود سود می‌برده‌اند.

داستان یحیی خواجه از جماعت خواجه‌گان میرکانی بخارا با جوهر بیگ عربف از تاجران بزرگ بخارا با قلم عینی در یادداشتها، خواندنی است. با ذکر خلاصه این حکایت، مقاله خود را به پایان می‌رسانیم:

- خوجه ئین [= ای خواجه !] شما سواد دارید؟

- کم کم خوانده و نوشته می‌توانم...

- بیدل را خوانده‌اید؟ دوباره سؤال داد یحیی خواجه

- در مکتب خوانده بودم.

- معنی شعرهای بیدل را می‌فهمید؟ گویان یحیی خواجه سؤال داد و به جواب جوهر بیگ

منتظر نشد، خود به جای [او] جواب گفت:

- نی، نمی‌فهمید، اگر مرده باشد مرحوم، و اگر زنده باشد ملعون، داملای [= استاد] مکتبتان

هم بیدل نمی‌فهمید. اما بیدل شعرهای همه فهم هم دارد که شما آنها را ندیده‌اید، یا دیده باشید

هم، خود را نادیده می‌شمارید، چون که آن‌گونه شعرهای بیدل به شما ضرر می‌کند... یحیی

خواجه ثانیه‌ای سکوت کرده، باز دوام نمود [= ادامه داد]:

- بیدل در یکی از شعرهای عامه فهمش گفته است:

کیسه هیچ کس ندید پُری

تا نکرد ارتکاب کیسه بُری

یحیی خواجه بعد از خواندن این شعر از جوهر بیگ روتافته و به شریف جان مخدوم [

صدر ضیا] نگاه کرده گفت:

- من به رئیس و میر شب بخارا حیرانم که یک بیچاره پای برهنه را با گناه کیسه بری

دستگیر کرده، تعزیر (دره زنی) نموده، حبس می‌کنند... اما به این‌گونه کیسه‌بُرهایی که بیدل دو

صد سال پیش از این به پیشانه اینها تمغه [= مهر] کیسه‌بری را زده است و از این پیشه، صدها

هزار طلا یافته‌اند، کار ندارند؛ نه تنها کار ندارند، حتی اینها را حرمت هم می‌کنند(همان، ۳۳۳-

۳۳۴).

نتیجه

صدرالدین عینی به عنوان بینانگذار ادبیات نوین تاجیک در معرفی بیدل و جریان بیدل

گرایی در محیط ادبی ماوراءالنهر در قرن بیستم نقش مهمی داشته است.

اگرچه وی در طراحی نظریه بیدل گرایی، مقامی بالاتر از احمد دانش و فطرت بخارایی

نمی‌یابد، نخستین محقق است که به طور جامع در رساله‌ای جداگانه و نیز سایر کتابهای خود

به شکل مستقیم و غیر مستقیم با وسعت نظری ستودنی به معرفی جوانب این جریان پرداخته است؛ به گونه‌ای که تمام محققان ایران و ماوراءالنهر در آثار خود به منقولات عینی استناد می‌جویند. این نکته نیز شایسته یادآوری است که اغلب آثار عینی در باره بیدل، حالت تذکره گونه دارد و کمتر در آنها به نقد موشکافانه درباره سبک شاعری بیدل و چگونگی نمایش تأثیر این سبک در میان شاعران و ادیبان ماوراءالنهر برمی‌خوریم. همچنین از سوی دیگر اغلب تحلیل‌های فلسفی، اجتماعی و دینی وی از بیدل در خدمت مشروعیت بخشیدن به طبقه حاکم - حکومت شوراها - است؛ با این حال همین اطلاعات در بسیاری از موارد در نوع خود بی‌نظیر و منحصر به فرد است و ما بدون اطلاع از آنها از تحقیق درباره یکی از جریان‌های ادبی، اجتماعی و سیاسی ماوراءالنهر در چند قرن اخیر محروم خواهیم ماند.

منابع*

- ۱- انوشه، حسن [به سرپرستی]: **دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی**، ج اول، ویراست دوم، چ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- ۲- بچکا، یرژی: **ادبیات فارسی در تاجیکستان**، ترجمه محمود عبادیان و سعید عبانژاد هجران دوست، چ اول، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی، ۱۳۷۲ ش.
- ۳- تری، ایگلتون: **مارکسیسم و نقد ادبی**، ترجمه اکبر معصوم بیگی، چ اول، تهران، نشر دیگر، ۱۳۸۳ ش.
- ۴- حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد: **منتخب اشعار حافظ**، نسخه شماره ۴۳۱۱، مخزن نسخ چاپی نادر مؤسسه ابوریحان بیرونی تاشکند. (چاپ سنگی)
- ۵- خدایار، ابراهیم: «بیدل‌گرایی در محیط ادبی ماوراءالنهر»، **کتاب ماه ادبیات و فلسفه**، سال ششم، شماره ۱۲ (۷۲)، مهر ۱۳۸۲ ش.
- ۶- ریپکا، یان و دیگران: **تاریخ ادبیات ایران**، ترجمه کیخسرو کشاورزی، چ اول، تهران، گوتنبرگ و جاویدان خرد، ۱۳۷۰ ش.
- ۷- شفیعی کدکنی، محمدرضا: **شاعر آینه‌ها**، چ چهارم، تهران، آگاه، ۱۳۷۶ ش.
- ۸- شکوراف، محمدجان: **صدرالدین عینی**، دوشنبه، عرفان، ۱۹۷۸ م.

- ۹- _____ «سیر ادبی صدرالدین عیسی و مرحله های آن»، نامه فرهنگستان، سال سوم، شماره دوم (۱۱)، پاییز ۱۳۷۶: ش.
- ۱۰- عزیزقل اف. [زیر نظر] : دایرةالمعارف ادبیات و صنعت تاجیک، ج ۲، دوشنبه، دانشنامه تاجیک ۱۹۸۸-۱۹۸۹ م. (به خط سریلیک)
- ۱۱- عینی، صدرالدین: کلیات، رساله میرزا عبدالقادر بیدل، ج ۱۱، بخش نخست، دوشنبه، عرفان، ۱۹۶۴ م. (به خط سریلیک)
- ۱۲- _____: کلیات، مختصر ترجمه حال خودم، ج ۱، بخش نخست، استالین آباد [دوشنبه]، نشریات دولتی تاجیکستان، ۱۹۵۸ م. (به خط سریلیک)
- ۱۳- _____: نمونه ادبیات تاجیک، مسکو، نشریات مرکزی خلق جماهیر شوروی سوسیالیستی، ۱۹۲۶ م.
- ۱۴- _____: یادداشتها، به کوشش سعیدی سیرجانی، چ اول، تهران، آگاه، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۵- فطرت، عبدالرئوف: بیدل بر مجلس ده [بیدل در یک نشست (= گفتار)]، مسکو، نشریات مرکزی شرق، ۱۹۲۳ م. (به زبان ازبکی)
- ۱۶- هادی زاده، رسول: ادبیات تاجیک در نیمه دوم عصر ۱۹، قسم اول، دوشنبه، دانش، ۱۹۶۸ م. (به خط سریلیک)

*. این کتابنامه شامل فهرست کتابها و مقالات چاپ شده به زبانهای فارسی، فارسی تاجیکی (با خط فارسی و خط سریلیک) و ازبکی است.